

# مجاهدین خلق و

## نامه هشدار

—۲—

امیرفیض- حقوقدان

### برای اتصال موضوع

چند سطری از پایان قسمت نخست این تحریر به اینجا برای اتصال موضوع آورده میشود:

مفهوم حقوقی عمل مزبور را میتوان نوعی حکمیت و داوری تلقی کرد که اگر شهرام همایون اقدامات محکمه صحرائی و تبعات آن (مقصود اتهاماتی که بوسیله مصاحبه کنندگان متوجه اعلیحضرت کرده اند) را درست نمیداند و آنرا تعرضانی من غیر حق و خارج ازصلاحیت ویا امثال آنها میداند، آنرا رد میکند (طبق روال مرسوم رسانه ها) و در صورتی که آنرا درست و بجا میداند به تشخیص خود تعیین مجازات کرده و آنرا بوسیله دستگاه خبری تلویزیون خود ابلاغ همگانی وجهانی شود.

آقای شهرام همایون در جهت تائید حکم محکمه صحرائی و تبعات آن بر محکومیت اعلیحضرت تشخیص خود را هم بکار بسته و اعلام کرد:

**شاهزاده اعلام کردند دیگر به پادشاهی اعتقادی ندارند و از این سمت کناری**

**کرده اند!**

### واما بعد

همانطور که استحضار دارید کار رسانه های گروهی تعیین مجازات و اعلام آن نیست، و همچنین از وظائف آنهاست که امانت داری در خبر و مطالب را کرده و به هیچوجه مرتکب جعل و الحاق و امثال آنها نشوند.

اصولی که به اشاره رفت در مورد یک رسانه خبری و همگانی است که از اصالت و درستی تبعیت کند و نمیتوان از دستگاہی انتظار داشت که بنا به معرفی همکاران خودش <شهرام همایون به هیچ چیزی جز خودش و پول فکر نمیکند>.

بهر حال شهرام همایون اظهارات اعلیحضرت را در برنامه رادیو فردا و کیهان لندن بنحوی که سازمان مجاهدین خلق سالها دنبال آن بود تحریف و آنرا منتشر ساخت.

## مقابله بفرمائید

مسعود رجوی در ۱۱ ماه می ۲۰۱۰ پیامی بنام خود و خطاب به «آقایان رضا پهلوی» و موسوی و کروبی منتشر ساخت که چند تحریری هم به آن اختصاص داده شد که در سایت ۱۴۰۰ سال ملاحظه کردنی است.<sup>۱</sup>

رجوی در پیام مزبور سه شرط و یا سه خواسته از اعلیحضرت مطرح کرد به نخستین آن که مورد استناد این تحریر است توجه فرمائید:

### **اعلام کنید که داعیه سلطنت ندارید و آنرا به هیچکس دیگری هم نمی پسندید.....<**

ملاحظه میفرمائید چیزی را که امروز شهرام همایون و همپالگی هایش از جمله امیرابراهیمی و امید دانا... از طریق جعل و تحریف بنام اعلیحضرت منتشر کرده اند همان است که اولین مطلوب و خواست مجاهدین خلق بوده است.

مجاهدین خلق همواره خواستار اعلام پایان سلطنت ایران بوده اند و این همان کاری است که طرح هنری پرشت هم در سال ۱۳۵۸ اعلام کرد و پی آمد آن هم در ۶ سال بعد بوسیله احمد قریشی (از رابطین مطمئن آمریکا = اسناد سفارت آمریکا) در روزنامه کیهان لندن اعلام شد «رضا پهلوی دیگر ادعائی ندارد» ولی این اعلامات نمیتواند اثر اعلام دستگاه تلویزیونی کانال یک به تصدی آقای شهرام همایون را داشته باشد، زیرا که آن اعلام کنندگان مورد تائید سلطنت طلبان نبودند؛ ولی اعلام خواست مجاهدین که همان خواست طرح هنری پرست است، از سوی شهرام همایون و تلویزیون او که بهرحال سلطنت طلبان آنرا یک پایگاه ضد سلطنت و یا شخص اعلیحضرت نمیدانند، اثری دیگر داشت و دارد.

**البته این تحریر هم موافق است که اعتبار کهن سلطنت چیزی نیست که با این بادهای بلرزد** ولی هر اعتباری با هر قدر قدمت و خدمت در مقابل تعرضات اگر مقابله نشود کم و بیش آسیب پذیر است، در همین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دیدید که اتهامات بچه بازی و خون خوری و اتهامات دیگر به خانم کلینتون چقدر تاثیرگذار بود؛ شاهنشاه ایران هم به نکته اساسی بالا در کتاب پاسخ به تاریخ اشاره فرموده اند و قصور و ناچیز گرفتن اتهامات رابه سلطنت ایران یکی از ارباب اشتباه گرفته اند.

## بی مایه فطیر است

آیا تصور میکنید که شهرام همایون بدون توجه به پیام مسعود رجوی و خواست او مبنی بر اعلام کناره گیری اعلیحضرت از سلطنت این جمله مجعول را ساخته و بکار بسته است؟ تصور نمیکنم. شهرام همایون بسیار موقع شناس و اهل معامله است و مریم رجوی و اصلا سازمان مجاهدین خلق هم شهره معاملات سیاسی و خرید افراد و حمایت های ثالث را رسماً و علناً دارا هستند، و آقای شهرام همایون هم کسی نیست که بی مایه برای کسی اینگونه زمینه سازی های مساعد بکند.

ایشان تا آنجا که میتوانست از قبیل اعلیحضرت و نام ایشان استفاده هایی داشته باشد، هوادار ایشان بود، و وقتی که این امید با براه افتادن تلویزیون افق ناکار شد؛ شهرام همایون شد شهرام همایون امروزی که در واقع صدر مخالفان تداوم سلطنت و شخص اعلیحضرت شناخته میشود.

اشتباه نشود شهرام همایون هیچگاه قائل به تداوم سلطنت و حقانیت سلطنت اعلیحضرت نبوده است ولی همواره (حتا به تظاهر) جانبدار شاهزاده رضا پهلوی بوده است و همین آمادگی یعنی دور بودن از اعتقاد سیاسی به حقانیت تداوم سلطنت مبنائی بوده برای حضور قاطع در طرح و ماجرای نامه هشدار.

اما چرا شهرام همایون در جهت تائید حقانیت تداوم سلطنت و پادشاهی رضاپهلوی نیست، ریشه آنرا باید در سیاست آمریکا نسبت به عدم قبول انتقال سلطنت به ولیعهد دانست یعنی همان طرح هنری پرشت، ولی جانبداری از شخص رضا پهلوی ابدی در جهت مخالفت با طرح هنری پرشت نیست.

شهرام همایون در مصاحبه ای که با بردیا قلابی داشت، هر بینه ای که بطرز عمل شهرام همایون آشنا بود تعجب میکرد از آن کوتاه آمدن و تسلیم کسی شدن که حتی حاضر به معرفی و سن خود هم نشده بود. اینچنین رویدادی از شهرام همایون ممکن نبود مگر اینکه حضور او در برنامه بی اعتبار کردن اعلیحضرت یعنی نامه هشدار و پیامدهای آن آنقدر برای او با اهمیت بوده که میتوانسته تحقیر او را در برنامه مصاحبه با بردیا قلابی جبران کند.

مصاحبه با بردیا قلابی بوسیله شهرام همایون که در آغاز هجوم به اعتبار اعلیحضرت بوسیله نامه هشدار صورت گرفت، قرینه ای است که او از ابتدای اجرای طرح تاکنون از مهره های درشت طرح بوده است.

## تحلیل بر اعلام شهرام همایون

عبارت شهرام همایون مبنی بر اینکه «شاهزاده اعلام کردند که دیگر به پادشاهی اعتقادی ندارند و از این سمت کناره گیری کرده اند» تنها متعلق و متوجه به اعلیحضرت در مقام سلطنت نمیشود بلکه شمول آن دقیقاً متوجه شخصیت شخص رضاپهلوی منهای موقعیت سلطنت هم میگردد.

> زهر طرف که شود کشته سود اینان است< (اسلام)

◀ برنامه اجرای نامه هشدار و محکمه صحرانی طوری تنظیم شده که مفاهیم تعرضی آن هم متوجه شخص اعلیحضرت گردد و هم متوجه «رضاپهلوی» منهای مقام سلطنت.

## زیرکی در طرح

توضیح اینکه؛ نامه هشدار محکمه صحرانی و مفاهیم آن کلاً منحصر و متوجه به ولیعهد و یا متصدی سلطنت میشد و این مطلب هم از عناوین بکاررفته مانند ولیعهد و هم از نوع اتهامات در نامه هشدار (سیاسی) معلوم بود؛ و نمیتوانست نسبت به کسی که یک فرد عادی شناخته میشود شمولی پیدا کند زیرا مسئولیت فرع بر سمت است و فرد عادی که «رضاپهلوی» باشد در آن مقوله (محکمه صحرانی) فاقد مسئولیت بوده است.

◀ طرح طرح با ترتیب دادن مصاحبه هائی که همگان به یاد دارند اتهاماتی که میتواند متوجه هر شخص طبیعی بدون داشتن مسئولیت گردد را به اعتبارشخص رضا پهلوی آویختند؛ از باب نمونه، اتهامات بی شرفی، پول پرستی، شارلاتان، احمق، کوتاه بین، بی آبرو، تهی مغز، مفتضح، پشه و عروسک لازمه سمت داشتن نیست و هر فرد عادی هم میتواند از آن صفت ها سهمی داشته باشد.

## شمول اتهامات طرح

بترتیبی که ملاحظه کردید شخص اعلیحضرت چه از باب تصدی برسلطنت ایران ویا بعنوان یک شهروند عادی گرفتار حملات بی اعتباری قرار گرفته اند؛ یعنی اعلیحضرت رضا پهلوی نه تنها بنا بر اعلام شهرام همایون دیگر به سلطنت اعتقادی ندارند و از آن سمت کناره گیری کرده اند بلکه باوجود چنین اعلامی، آن اتهامات شخصی که دربالا به آن اشاره شد هم همراه و الصاق به اعتبار فردی و شخصی ایشان هم خواهد بود.

## آمریکا و سلطنت طلبان

« عقیده براین است که آمریکائی ها هیچگاه حاضر و راضی نیستند که روی گروه سلطنت طلبان و اعلیحضرت درمقام سلطنت حساب کنند؛ آنها براساس طرح هنری پرشت و فرهنگ آمریکائی سخت مخالف مقام سلطنت هستند و اگر در این مورد اصرار بکناره گیری و قطع تداوم سلطنت را دارند بملاحظه افکارعمومی مردم ایران است، که توجه آنها به شخص رضا پهلوی به اعتبارمقام سلطنت و تداوم آن بسیار وسیع و طبیعی است.

« مجاهدین خلق و طرح آنها کاملا به اشاره بالا آگاه بوده اند و برنامه هشدار را طوری تنظیم کرده اند که طوق بی اعتمادی آن علاوه برشخص اعلیحضرت، شخص «رضا پهلوی» را هم گرفته باشد.

## باز هم خودیرسی کنیم

آیا آمریکائی ها در مورد سیاست احتمالی خود با جمهوری اسلامی باید با کسی که از سوی سلطنت طلبان درحد یک پشه و عروسک شناخته شده آنها با اتهامات شارلاتانی و بی شرافتی و غیره مذاکره کنند و یا با مریم رجوی؟

در این معادله فراموش نکنید که این اتهامات را کسانی که خود را سلطنت طلب معرفی میکنند از رسانه های تصویری و جمعی متوجه اعلیحضرت کرده اند نه درمقاله ویا جلسات گفتگو.

فراموش نکنید که این اتهامات را کسانی زده وپیگیری کرده و میکنند که دائم عنوان «شاهزاده رضا پهلوی نماد ملت ایران است» کلام پس وپیش اظهارات و اتهامات آنها به همان نماد ملی بود، حال اینکه یک نماد ملی چگونه میتواند دشمن ملت و خائن و شارلاتان و بی شرافت باشد باید از طرح سوال کرد که از ذوق اجرای طرح به عواقب آن نگاه نکرده است.

باز فراموش نکنید که درمقابل این صحنه سازیها و دروغ جعل و تحریف و اتهامات شخصی، رد مناسبی بوجود نیامده است.

باز هم فراموش نکنید که اعتراضاتی که دربرنامه های شهرام همایون ویا رودست ازسوی شنوندگان برنامه ها میشود، اعتراضات شخصی است که جنبه تسکین معترض نسبت به تهاجم به اعلیحضرت را دارد و اعتراض مبارزاتی و سیاسی محسوب نمیشود، در مبارزه سیاسی، دفاع باید متناسب و مترادف با حمله باشد، تضاهرات با تظاهرات وسیع تر (جریان مبارزات ترکیه و جمهوری اسلامی سالگرد شورش ۵۷). بحث های سیاسی با بحث های سیاسی، فعالیت های رسانه ای با فعالیت های رسانه ای و در نهایت درمقابل ۵۰ امضای طرفداران تحقیر و قطع تداوم سطنت یک کمپین حد اقل ۵۰ هزار نفری اصطلاح <جواب های، هو است> ناظر به همین توضیح است.

## هدف نهائی چیست

طرز عمل و بهره برداری ازجریان نامه هشدار این تمرکز فکری ضعیف را بوجود میآورد که کسانی به انگیزه پادشاهی دستخوش توهمات شده اند، البته غیر عادی نیست که در هرج و مرج سیاسی سود جویان، هدف و طریق مورد نظر خود را تعقیب میکنند و برنامه ریزان هم عوامل هرج و مرج را برای رسیدن به هدفشان آنها را ترغیب میکنند.

حملات شخصی و توام با حرکات بچگانه آن بچه تخس که میتوان آنرا کرم مشهود (الله کرم) درجریان نامه هشدار دانست نشان میدهد که بادهائی به کله اش افتاده زیرا دیدیم که خیلی بدنبال طرفدار است و روی آن دارد حساب باز میکند.

دیدیم دربرنامه ای درانتقاد و تمسخر برنامه کسی که در آن، حرکات آن بچه تخس به اعتراض کشیده شده بود و آنطور که آن بچه اعلام کرد حدود بیست هزار نفر آن برنامه را دیده بودند، آن بچه این گرایش مردم را به دیدن برنامه مزبور به حساب طرفداری از خودش آورده و میگفت <این یک دلیل طرفداری مردم از من است که بیست هزار نفر آن برنامه را دیده اند>.

البته انتظاری نیست از آن بچه که اعلام کرده <کار سیاسی نمیکند و فقط اطلاع رسانی میکند> که معنای طرفدار سیاسی را بداند. طرفداری به اقسامه است، طرفداری از اعتقاد که ممکن است برگردد به شخص معتقد. طرفداری نسبی و طرفداری فیزیکی که این آخری معمولاً متوجه بچه هاست.

## اصغر قاتل

وقتی ادعای آن بچه تخس را شنیدم یاد اصغر قاتل افتادم که در زمان سلطنت رضاشاه کبیر به شغل بامیه فروشی مشغول و گفته شده ۳۳ جوان خرد سال را فریب داده و بعد از تجاوز به آنها آن اطفال را به قتل میرساند و جنازه آنها را در بیابانهای اطراف تهران خاک میکرد.

مردم تهران و شهرستان ها سخت نگران بودند و تامینات وقت هم هرچه کوشش میکرد موفق به شناخت و دستگیری قاتل نمیشد؛ تا روزی که تامینات اعلام کرد که قاتل و رباینده اطفال دستگیر شده است؛ این خبر آنقدر عجیب بود که گفته اند شخص رضاشاه در زندان شهربانی شخصا قاتل را ملاقات کرد تا برایش

محرز شود که فرد دستگیرشده همان قاتل است و احتمالاً تا مینات اقدام خودسرانه ای برای پاسخ به شاه نکرده باشد.

بمجرد انتشار خبر دستگیری قاتل در فردای همانروز سه بار روزنامه اطلاعات تجدید چاپ شد و استقبال مردم از جریان اصغرقاتل و اظهارات او در تاریخ مطبوعات آن زمان و حتی بعدها هم بیسابقه شد.

آیا گرایش فوق العاده مردم برای شنیدن اظهارات اصغرقاتل دلیل بر طرفداری مردم از اصغرقاتل است؛ بچه تخس؟؟

پایان